

روابط بین الملل در اسلام

(مطالعه میدانی، اهداف و تجربه دیپلماسی اسلامی)



دکتر عنایت الله خلیل هدف



روابط بين الملل در اسلام

(مطالعه مبادی، اهداف و تجربه دیپلماسی اسلامی)

دكتور عنایت الله خلیل هدف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه

نام پدید آورنده و عنوان اثر: خلیل هدف، عنایت الله / روابط بین الملل در اسلام (مطالعه مبادی، اهداف و تجربه دیپلماسی اسلامی)

نوبت چاپ: چاپ اول ۱۴۰۲ هـ.ش / 2023 م

ناشر: آمریت تحقیقات نشرات پوهنتون دعوت و انتشارات سعید

شابک: (ISBN) 978-9936-1-0702-1

شناس نامه کتاب

نام اثر: روابط بین الملل در اسلام (مطالعه مبادی، اهداف و تجربه دیپلماسی اسلامی)

نام نویسنده: دکتور عنایت الله خلیل هدف

ویراستار: لعل محمد دورانیش

نمونه خوان: عبدالمنان دهبزاد

طراح جلد: محمد شفیع فرملی

صفحه آرا: بلال صدیقی

نوبت چاپ: چاپ اول 1402 هـ.ش / 2023 م

تیراژ: 1000

قیمت: 410 افغانی

ناشر: انتشارات سعید و نشرات پوهنتون دعوت

شابک: (ISBN) 978-9936-1-0702-1



آمریت تحقیقات پوهنتون دعوت

ناحیه پنجم، خوشحال خانه مینه، چهاراهی قمبر

Research@dawat.edu.af

+۹۳۷۰۲۰۰۲۳۲



انتشارات سعید

کابل جاده آسمائی، آسمائی پلازا، منزل اول

Sayeedbook@gmail.com

+۹۳۷۳۰۲۰۰۷۰۰

تمام حقوق کتاب برای نویسنده محفوظ است

قال الله تعالى:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُبِيرًا وَبَشِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ أَرَادَ كَيْفَ اللَّهُ فَضْلًا كَثِيرًا وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى
اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ (الأحزاب، آيات: 45-48)

ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار کننده. و تو را دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او قرار دادیم، و چراغی روشنی بخش. و مؤمنان را بشارت ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی است. و از کافران و منافقان اطاعت مکن، و به آزارهای آنها اعتنا منما، و بر خدا توکل کن، و همین بس که خدا حامی و مدافع است.

فهرست مطالب

ح	سخنی در مورد این کتاب.....
1	مقدمه.....

فصل اول

درآمدی بر دیپلماسی و دلالت‌های آن

14	مبحث یکم: تعریف دیپلماسی و کاربرد آن.....
14	مفهوم دیپلماسی.....
17	مفهوم دیپلماسی در زبان عربی.....
18	فرق میان فرستاده و سفیر.....
20	تعریف دیپلماسی.....
25	دیپلماسی علم یا هنر.....
28	مبحث دوم: تاریخ تحول دیپلماسی.....
28	پیدایش دیپلماسی.....
31	تحول دیپلماسی.....
34	مبحث سوم: مراحل تاریخی تحول دیپلماسی.....
35	دوره‌های باستان.....
39	دوره مدنیت‌های شرق قدیم.....
40	دوره اغریق و یونان باستان.....
45	دوره مدنیت رومان.....
47	قرون میانه.....
50	مبحث چهارم: دیپلماسی جدید.....
50	به سوی دیپلماسی دائمی.....
52	دیپلماسی تقلیدی یا کلاسیک.....
59	دیپلماسی معاصر.....

فصل دوم

روابط بین الملل و دیپلماسی در اسلام

- 68.....مبحث یکم: مفهوم و ماهیت روابط بین الملل در اسلام
- 70.....اسلام به پدیده جنگ چگونه می بیند؟
- 78.....ماهیت روابط بین الملل در اسلام
- 91.....نظریه ترتیب زمانی تفسیر نصوص
- 97.....مبحث دوم: دیپلماسی و روابط دیپلماتیک در اسلام
- 97.....مفهوم دیپلماسی در اسلام
- 99.....تطور مفهوم دیپلماسی اسلامی
- 102.....نظام دیپلماسی اسلامی
- 105.....مبحث سوم: مبادی و راهکارهای دیپلماسی اسلامی
- 105.....مبدأ وحدت اصل بشری
- 107.....مبدأ جهانی بودن دعوت اسلامی
- 109.....مبدأ شناخت و همکاری به نیکی
- 111.....مبدأ قدسیت عهد و پیمان
- 117.....مبدأ انعطاف و اعتدال
- 121.....مبحث چهارم: ویژگی های دیپلماسی اسلامی
- 124.....داشتن برنامه روشن
- 129.....تعامل فراگیر
- 133.....تکریم جایگاه انسان
- 137.....انعطاف پذیری و انفتاح
- 141.....ثبات بر اصول و مبادی
- 147.....مبحث پنجم: اهداف دیپلماسی اسلامی
- 147.....دعوت به اسلام
- 149.....مبادله اسیران
- 153.....مراقبت و تعقیب اوضاع
- 157.....هدنه، صلح و ایتلاف

160	تجارت و معاهدات اقتصادی
162	اصلاح و میانجی‌گری
163	تهنیت و تعزیت
165	توسعه روابط فرهنگی

فصل سوم

فرستادن هیأت‌های سیاسی در عهد نبوی

175	مبحث یکم: سفارت اسلامی به حبشه
177	هیأت مهاجران به حبشه
178	تحرك دیپلماسی قریش
181	سفرای مکه در دربار نجاشی!
182	جعفر در موضع دشوار
184	درس‌هایی از هجرت به حبشه
190	مبحث دوم: اعزام هیأت‌ها و نمایندگان به یثرب
190	توجه به استقامت یثرب
191	اوضاع سیاسی یثرب قبل از هجرت
192	ورود سفرای پیامبر به یثرب
196	بیعت عقبه دوم و سفارت مصعب بن عمیر
204	مبحث سوم: ارسال هیأت نمایندگی به نصارای نجران
205	سیف الله المسلول به سوی نجران
209	اعزام عمرو بن حزم به حیث فرستاده مقیم به نجران

فصل چهارم

معاهدات و مراسلات دیپلماتیک در عهد نبوی

217	مبحث یکم: میثاق امت یا دستور دولت مدینه
217	استقرار مبادی نظام سیاسی
220	تأسیس دولت
224	میثاق امت
227	ارزش‌های قانونی و سیاسی میثاق مدینه
234	مبحث دوم: فرستادن نامه‌ها و عقد معاهدات در داخل جزیره عرب

234	ارسال نامه‌ها به قبایل عرب
236	نامه پیامبر به قبیله جهنیه
236	نامه پیامبر به بنی ضمیره
237	نامه پیامبر به قبیله خزاعه
238	نامه پیامبر به قبیله بنی غفار
238	نامه پیامبر به نعیم بن مسعود الاشجعی
239	نگاه تحلیلی به این نامه‌ها
246	مبحث سوم: ارسال نامه‌ها و سفارت‌های نبوی به خارج
246	نامه‌های پیامبر اسلام به زعمای جهان
248	نامه پیامبر به هرقل امپراتور روم
250	نامه پیامبر به کسرا امپراتور فارس
251	نامه پیامبر به مقوقس حاکم مصر
253	نامه پیامبر به نجاشی پادشاه حبشه
257	نامه پیامبر به پادشاه عمان
258	تأثیر نامه‌های پیامبر به زعمای جهان
260	مبحث چهارم: صلح حدیبیه و اثرات آن بر دعوت و دولت اسلامی
260	نگاهی به اوضاع ماقبل حدیبیه
267	به سوی حدیبیه
276	تحولات رونما شده در حدیبیه
280	قواعد دیپلماسی در صلح حدیبیه
281	برخی نتایج صلح حدیبیه
287	حدیبیه فتح و نصرت بزرگ

فصل پنجم

تطور تاریخی روابط بین المللی دولت اسلامی

292	تمهید
294	مبحث یکم: دولت اسلامی در عهد نبوی
302	مرحله تأسیس و آمادگی
314	جنگ تبوک و همایش قوت دولت اسلامی

317	ورود هیأت‌ها به مدینه
325	مبحث دوم: عهد خلافت راشد
325	ابوبکر؛ و تحکیم دولت اسلامی
336	عمر بن خطاب و استقرار نظام سیاسی اسلام
337	شخصیت دیپلماسی عمر بن خطاب
342	هیأت‌ها و فرستادگان عمر بن خطاب
348	دولت اسلامی در عهد دو خلیفه راشد؛ عثمان و علی
353	مبحث سوم: دولت اسلامی در عصر اموی (۴۱-۱۳۲هـ)
353	به سوی گسترش روابط جهانی
356	استقامت‌های دیپلماسی دولت اموی
360	مبحث چهارم: دولت اسلامی در عصر عباسی (۱۳۲-۶۵۶)
360	غلبه طبیعت فارسی در نظام
365	تطور دیپلماسی اسلامی در عهد عباسی‌ها

فصل ششم

دولت اسلامی و نظام تمثیل دیپلماتیک

383	مبحث یکم: تمثیل دیپلماتیک در روابط بین الملل اسلامی
383	انواع و اشکال تماس میان ملت‌ها
388	چگونگی انتخاب سفرا و فرستادگان
391	صفات سفیران
401	چهره‌ها و الگوهای از سفرای دولت اسلامی
409	تشکیل هیأت دیپلماتیک
412	مبحث دوم: وظایف هیأت دیپلماتیک
413	دعوت به اسلام
415	نماینده‌گی از دولت
415	تعقیب رویدادها
416	گفتگو و مذاکرات
418	حمایت مصالح دولت
419	صلح و هدنه توقف جنگ

420 ایتلاف و هم پیمانی
421 تهنیت و تعزیت
422 تبادلۀ تجارت
425 انجام مأموریت‌های دیگر
425 مبحث سوم: مصونیت‌های دیپلماتیک
427 مشروعیت مصونیت دیپلماتیک
431 مصونیت شخصی
433 مصونیت مالی و اداری
437 مصونیت قضایی و موقف فقہ اسلامی
444 نتایج و توصیات پژوهش
451 پیوست‌ها
451 پیوست (۱): میثاق مدینه: (قانون اساسی نخستین دولت اسلامی)
456 پیوست (۲): معاهده صلح حدیبیه
457 پیوست (۳): معاهده عمر بن خطاب با اهل بیت المقدس
458 پیوست (۴): معاهده عبدالله بن سعد بن ابی سرح با اهل نوبه در افریقا سال 31 هجری ...
459 پیوست (۵): فشرده نامه امپراتور روم تیوفلس به مأمون خلیفه عباسی
459 پیوست (۶): فرازهای نامه جوابی مأمون به تیوفلس امپراتور روم
460 پیوست (۷): استقبال سفیر آلمان در قرطبه
461 پیوست (۸): استقبال سفرای روم در بغداد
465 منابع کتاب
465 الف: منابع عربی
481 ب: منابع انگلیسی

سخنی در مورد این کتاب

- طرح اولی کتاب حاضر، تیزس مقطع دکتورا است که تحت عنوان «روابط بین الملل؛ مطالعه مبادی، اهداف و تجربه دیپلماسی اسلامی» به زبان عربی در دانشگاه خرطوم -از کهن دانشگاه‌های خاورمیانه- در دهه هفتاد خورشیدی انجام یافته است.

- کار تحقیق و تألیف این رساله مدت پنج سال را در بر گرفت. نویسنده این اثر را همزمان با تحصیلات دوره دکتورا و رهبری سفارت دولت اسلامی افغانستان در سودان انجام داد. ادامه تحصیلات عالی و تحقیق علمی در بخش روابط بین الملل همراه با مأموریت دیپلماتیک، در شرایط بحرانی آن زمان افغانستان تجربه فراموش ناشدنی برای نویسنده بود. مزید بر آن، رهنمایی سخت‌گیرانه پروفسور «عوض الکرسانی» رئیس بخش علوم سیاسی دانشگاه خرطوم، از اکادمسین‌های شناخته شده با اندیشه‌های چپی سکولار، بر شگفتی این تجربه علمی می‌افزود!

- انگیزه اساسی انتخاب عنوان تحقیق، در پهلوی علاقه ذاتی محقق، احساس فقر معلوماتی و مطالعاتی مرتبط به دیپلماسی اسلامی در افغانستان، به ویژه وزارت خارجه و دستگاه دیپلماسی کشور در آن برهه زمانی بود. اوایل دهه هفتاد خورشیدی نظام کمونیستی تابع اتحاد شوروی در افغانستان سقوط نمود و دولت اسلامی مجاهدین تازه قدرت را در دست گرفته بود؛ در وزارت خارجه جستجو نمودم جز یک رساله کوچک پیرامون مراسم تشریفات چیزی دیگری دریافت نشد. با این انگیزه، نویسنده تصمیم گرفت با استفاده از مأموریت دیپلماتیک، پژوهش اکادمیک مقطع دکتورای خود را در رشته روابط بین الملل و دیپلماسی انجام دهم که الحمد لله این مأمول موفقانه به پایان رسید.

- ترجمه و چاپ این اثر، با آنکه دغدغه همیشگی نویسنده بود، بسیار زمانگیر شد؛ اگرچند صاحب تحقیق، به صورت متداوم دست اندر کار تألیف و تحقیق در برنامه نصاب تعلیمی وزارت معارف و همچنان مصروف تدریس و کارهای اکادمیک در دانشگاه‌های کشور بوده است. اکنون خدا را شکر گزارم که برگردان کتاب به زبان فارسی دری، با ویرایش جدید آماده چاپ شده و در خدمت جامعه اکادمیک، دوست‌داران مطالعات روابط بین الملل، دست اندر کاران دستگاه دیپلماسی کشور و نسل پیشگام دانشگاهی قرار می‌گیرد.

- فرضیه اصلی پژوهش ارایه پاسخ‌های علمی به این پرسش‌های پیچیده و شایع است: دیدگاه اسلام به روابط بین الملل و روابط دیپلماتیک چگونه است؟ آیا در اسلام دیپلماسی وجود دارد؟ و پرسش‌ها و دغدغه‌های دیگری که نویسنده نیز در جریان نوشتن این رساله به چنین پرسش‌ها مواجه می‌گردید و در

میان سلک دیپلماتیک هرگاهى كه همقطاران از ديپلمات‌هاى كشورهاي اسلامى و عربى آگاه مى‌شدند كه من راجع به ديپلماسى اسلامى تحقيق مى‌كنم، نخستين سؤال همراه با شك و ترديدشان همين مى‌بود كه آيا در اسلام ديپلماسى وجود دارد؟! با اين روحيه و برداشت‌هاي قديم وجديد، نويسنده اميدوار است خواننده گرامى با مطالعه متن اين سفر نسبتاً پر حجم به پاسخ‌هاي جامع و قناعت‌بخش در اين راستا دست يابد. متمنى‌ام خواننده عزيز، به ويژه جامعه اكاديميك و صاحبان اندیشه اسلامى با مطالعه اين كتاب دريابند كه فكر و تجربه عملى دولت اسلامى به درازاى تاريخ حامل پربهاترين و زيباترين اسناد، شواهد و نمونه‌هاي درخشان در عرصه روابط بين الملل و ديپلماسى بوده است.

- كتاب به شيوه اكاديميك، مراجعه به متون اصلى اسلام و فقه سياسى متحول تهيه گرديده است. اسناد و شواهد و تجارب عملى از متون و حواشى منابع دست اول و مورد اعتماد و اعتبار مطالعه و اقتباس گرديده و در چارچوب علمى عرصه تخصصى پژوهش تحليل و تحقيق شده است. منابع كتاب بيشتر متون قديم و معاصر عربى است كه با منبع نگارى دقيق و ترجمه و شرح واژگان و مناسبت‌ها در باورقى صفحات توضيح گرديده است. همچنان پاره‌اى از اسناد مهم تاريخى در عرصه روابط بين الملل و تجربه ديپلماسى اسلامى در بخش پيوست‌ها در اخير كتاب درج گرديده است كه براى كادر علمى و پژوهشگران از فايده خالى نيست.

- با ملاحظه نكات ذكر يافته در بالا، خاطر نشان مى‌گردد كه اين پژوهش يك كتاب درسى و همچنان كتاب منبع در رشته روابط بين الملل و ديپلماسى، در هر دو مقطع ليسانس و فوق ليسانس؛ ماسترى و دكتورا مى‌تواند مورد استفاده استادان فرهيخته و محصلان و پژوهشگران عزيز قرار گيرد.

- از دو تن پژوهشگران جوان و فرهيخته آقاى لعل محمد دور انديش كه ويراستارى كتاب، و آقاى عبدالمنان دهزاد كه مطالعه و باز بينى كتاب را به عهده گرفتند، از استادان و عزيزانى كه در غنا مندى كتاب و ضرورت چاپ آن تشويق و تاكيد نمودند قلباً قدر دانى مى‌كنم.

- از خواننده گرامى با مودت تمنا دارم با شريك نمودن نقد و نظر و استدراكات سود مند خود جهت غناى بيشتر كتاب بر نويسنده منت گزارند.

عنايت الله خليل هدف

معاون علمى پوهنتون دعوت و استاد مقطع ماسترى روابط بين الملل

E-mail: sekhali58@gmail.com

سیاس خداوندی را که با فرستادن پیامبران بر بشریت منت گذاشت و با رسالت محمد بن عبدالله، سلسله رسالات پیامبران را خاتمه بخشید. پیامبر خاتم به مثابه بشیر و نذیر وقائد بشریت، نظام حیات را بر هدایت اسلام اساس نهاد، تا جامع ادیان، مکمل رسالات و رهنمای بشریت باشد.

دولت اسلامی در حیات پیامبر خاتم بر بنیادهای متین نظام الهی قایم گردید؛ نظامی که میان خواستهای روحی و مادی انسان توازن ایجاد نمود و فطرت تکوین انسانی را رعایت کرد و در نهاد خود خصوصیت‌های فراگیری، جاودانگی و کمال را حمل نمود. همچنان خداوند متعال برای این دولت کتاب (دستوری) را با نشانه‌های واضح نازل کرد، تا برای هر زمان صالح باشد- دستوری که کامل، مبتنی بر مبادی عدالت و مساوات، رحمت و شوری می‌باشد. نظام سیاسی مبتنی با ویژگی‌های ثبات بر اصول و انعطاف‌پذیری در تطبیق. نظام کفالت‌کننده آزادی اندیشه، تدین و حمایت‌کننده حقوق، وجایب، عهد و پیمان، بر اساس عقیده و ایمان، نه با اجبار و سلطه دولت و رقابت قانون؛ ویژگی‌هایی که در نظام‌ها و دساتیر وضعی وجود ندارد.

نظام سیاسی اسلام، نظام جهانی است که خیر و نیکی را برای همه کره خاکی می‌خواهد، به تعامل و تعاون با همه انسان‌ها بر اساس قواعد توازن و مساوات و مصلحت انسانی باور دارد، ذلت و استکبار را در روابط میان ملت‌ها و کشورها نفی می‌کند. نظام سیاسی اسلام به حریت و آزادی انسان در ایجاد و انتخاب فکر و عقیده به موجب این فرمان آفریدگار توانا باور دارد که فرموده است: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾¹ ترجمه: در قبول دین اکراهی نیست. راه درست از راه انحراف روشن شده است.

پژوهش حاضر «روابط بین الملل در اسلام و دیپلماسی اسلامی» را مورد مطالعه قرار داده است. این پژوهش در صدد آن است تا دیدگاه و موقف نظام سیاسی اسلام را در عرصه روابط بین الملل، اصول و مبادی روابط بین الملل اسلام و تجربه دیپلماسی اسلامی در حالات صلح و جنگ مبتنی بر نصوص و مبادی شرعی و تجربه عملی روابط سیاسی و دیپلماسی دولت اسلامی در عهد نبوی، خلافت راشد و دولت‌های اسلامی در مراحل تاریخی مورد پژوهش و تحلیل قرار دهد. پژوهش در این راستا به توضیح نظام سیاسی اسلام، تأسیس دولت اسلامی به

1. البقرة، آیه 256.

رهبری پیامبر گرامی، تدوین دستور دولت اسلامی، عقد عهدنامه‌ها با نیروهای مخالف داخلی و خارجی، برقراری روابط سیاسی و دیپلماسی با قدرت‌های جهانی در حیات پیامبر اسلام و دوره‌های مختلف تاریخی پرداخته است. این کتاب محورهای مختلف مرتبط به نظام سیاسی اسلام، روابط بین الملل اسلامی، تاریخ دیپلماسی به طور عام، مبادی و اهداف و تجربه عملی و تاریخی دیپلماسی اسلامی را حسب محورهای زیر مورد مطالعه، تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد.

واژه «دیپلماسی» به مثابه تعبیر از اداره روابط بین الملل و تمدن‌های انسانی به عنوان هنر به کاراندازی ابزار و شیوه‌های این روابط؛ یک مفهوم دیرینه به قدامت عمر ملت‌هاست که گروه‌ها و مدنیت‌های بشری به امتداد تاریخ آن را تمرین و تطبیق نموده‌اند. این پدیده را یونانیان به کاربردند و سپس کاربرد آن با واژه‌ها و تعبیرهای مختلف به زبان لاتین و به سایر زبان‌های زنده جهان انتقال یافت.

تعریف‌های گوناگونی از واژه دیپلماسی توسط علما و اندیشمندان رشته علوم سیاسی و روابط بین الملل صورت گرفته است که هر یکی از دید و زاویه تخصص خود به آن نگریسته‌اند؛ کسانی دیپلماسی را تعریف علمی و قانونی نموده‌اند، کسانی آن را از لحاظ تطبیقی در روند روابط بین الملل تعریف نموده و کسانی آن را به عنوان صفت و مهنت کارمندان روابط بین الملل تعریف نموده‌اند.

ما با مطالعه تعاریفات ارائه شده، دیپلماسی را به عنوان علم و هنر تعامل در راستای روابط بین الملل و میکانیزم توجیه و تنظیم این روابط توسط نمایندگان دارای صفات، استعدادها و توانایی‌های ذاتی و کسبی که با این ویژگی‌ها و توانایی‌ها بتوانند وظایف محوله را به وجه مطلوب انجام دهند، تعریف می‌نماییم.

در مورد تاریخ تطور واژه دیپلماسی باید گفت که این پدیده همگام با جوامع انسانی نشأت کرده و همزمان با تحولات روابط بین الملل تطور نموده است. ملت‌های قدیم آن را شناخته‌اند و اغریق و رومان، فراغنه و چینی‌ها، هندی‌ها و فارس و مسلمانان آن را تمرین و تطبیق نموده‌اند. سپس این پدیده به دولت‌های اروپایی جدید انتقال یافت و با تطور ابزارها، شیوه‌ها و کاربرد آن، اشکال و انواع مختلف به خود گرفته؛ در چهره‌های دیپلماسی مؤقت و دائمی، سری و علنی، دو جانبه و چند جانبه، قانونی و پارلمانی و دیپلماسی سازمان‌های بین المللی توسعه یافته است.

دیدگاه اسلام به روابط بین الملل و روابط دیپلماتیک بر این است که اسلام به مثابه رسالت خاتم و دین برگزیده خداوند، به بشریت به عنوان خانواده واحد می‌بیند و میان افراد آن فرق نمی‌گذارد. در این نگاه انسانی بر انسان دیگر برتری ندارد مگر با پرهیزکاری. با این دیدگاه؛ صلح و دعوت مسالمت‌آمیز، آزادی اندیشه و عقیده، عدالت و مساوات اصول پذیرفته شده در روابط بین الملل می‌باشد. اگرچند دیدگاه دیگری وجود دارد که با در نظر داشت نگاه واقع‌گرایی اسلامی روابط بین الملل را پیشگام و پیکار محور مطرح می‌کند؛ اما دیدگاه غالب در میان اندیشمندان مسلمان همان دیدگاه اول مبتنی بر خیراندیشی، دعوت نیکو و مسالمت می‌باشد.

مبادی و موجهات روابط بین الملل و دیپلماسی اسلامی در اصول و ارزش‌های زیر متجلی می‌گردد: مبدأ وحدت اصل بشری، مبدأ جهانی بودن دعوت اسلامی، مبدأ شناخت و همکاری بر اساس نیکی و تقوا در تعامل میان انسان‌ها، مبدأ آسانی و تسامح در احکام شرعی به عنوان رحمت و هدایت برای انسان‌ها، مبدأ قدسیت عهد و پیمان در اسلام و عدم غدر به عهد و پیمان تحت هیچ شرایطی، مبدأ اعتدال و دعوت با حکمت و گفتگوی نیکو. چنانچه احکام شریعت مطابق نظام سیاسی اسلام بر نقش و اهمیت این مبادی و موجهات در تعامل دیپلماسی تأکید می‌ورزد و به مثابه مبادی اعتقادی بر مسلمان حتمی می‌سازد که به آن التزام ورزد و به مقتضای آن عمل نماید، تا نتایج عملکرد خود را در راستای تحقق خیر برای بشریت و اعمار زمین در دنیا و کسب اجر و پاداش نزد پروردگار به دست آورد.

همچنان روابط بین الملل و دیپلماسی اسلامی دارای ویژگی‌ها و معیارهایی است که تمرین و عملکرد دیپلماسی اسلامی را با غیر آن امتیاز می‌بخشد و فرد مسلمان را به طور عام و دیپلمات مسلمان را به گونه ویژه از انحراف و سقوط در کشاکش مسؤولیت‌ها و مواقف دشواری که در جریان وظایف محوله رو به رو می‌گردد مصون می‌سازد. از جمله این خصائص و ویژگی‌ها به مبادی زیر می‌توان اشاره کرد: روشن بودن راه و برنامه با وحی خداوند و قدوه پیامبر، به اعتبار اینکه روابط بین المللی و دیپلماسی اسلامی مطابق منهج ربانی متکامل حرکت می‌نماید. همچنان دیپلمات مسلمان به این منهج و برنامه ایمان کامل دارد که از آن انحراف نمی‌کند و در تاریکی و بیراهه گام بر نمی‌دارد، بلکه در راستا و پهنای این برنامه روشن و نجات بخش برای تحقق اهداف خود با استواری و اطمینان حرکت می‌نماید.

ویژگی و خصوصیت دیگر روابط بین الملل و دیپلماسی اسلامی فراگیر بودن فکر و تعامل با هستی؛ زمان و مکان و انسان است که بدون تمییز و تبعیض و دوگانگی خیر را برای جهان و جهانیان می‌خواهد و برای اعمار زمین با دیدگاه فراگیر و همه‌جانبه سعی و تلاش می‌ورزد. خصوصیت دیگر روابط دیپلماسی اسلامی تکریم و جایگاه بزرگوارانه انسان بدون توجه به نژاد، قوم، جنسیت، رنگ و سایر فرق‌ها و تفاوت‌های که اسلام به آن اعتراف ندارد و دیپلمات مسلمان آن را به رسمیت نمی‌شناسد، است؛ زیرا این تفاوت‌ها میان انسان‌ها تفرقه ایجاد می‌کند و وحدت بشری را صدمه می‌زند. خصوصیت و ویژگی دیگر روابط بین الملل و دیپلماسی اسلامی انفتاح و انعطاف‌پذیری است که خود یک ارزش اساسی در عملکرد دیپلماسی برای رسیدن به مشترکات میان جوانب مورد تعامل و درگیر غرض دستیابی به صلح و منافع مشترک میان ملت‌ها و کشورها شمرده می‌شود. در این راستا خصوصیت ثبات و استقامت بر مبادی و اصول اساسی و ویژگی دیگر روابط بین الملل و دیپلماسی اسلامی را تشکیل می‌دهد؛ تا عملکرد دیپلماسی را از لغزش و انحراف، بیراهه روی و فرو گذاشت از ثوابت و خطوط اساسی در برابر فشارها و اغراءات مصون نگهدارد و دیپلمات مسلمان را از اقدام به خیانت فرستنده، دولت و مردم خود محفوظ و مأمون سازد.

اما اهداف عامی که دیپلمات مسلمان در عرصه بین الملل برای تحقق آن جد و جهد می‌ورزد، در محورهای زیر خلاصه می‌گردد: دعوت به اسلام به عنوان هدف اول و اساسی دیپلماسی اسلامی از همان آغاز تأسیس دولت اسلامی وجود داشت. تعقیب و پیگیری رویدادها و مجریات اوضاع در کشور محل کار. البته این مسؤولیت نقش مهم و حیاتی در روابط بین الملل در قرن‌های گذشته، مخصوصاً در عرصه نظامی داشته و در عصر جدید از لحاظ سیاسی و استخباراتی و مقاصد دیگر اهمیت بیشتری کسب کرده است. همچنان دیپلماسی اسلامی در گذشته و حال در زمینه‌های عقد معاهدات و توافقنامه‌های ختم جنگ، برقراری صلح و ایجاد همگرایی و پیمان‌ها به مثابه محورهای مهم و اساسی در راستای حل مشکلات روابط بین الملل و تقویت ارتباطات و همکاری میان ملت‌ها از اهداف اساسی دیپلماسی اسلامی بوده است. همچنان معاهدات و توافقنامه‌های اقتصادی و تجارتي اهداف مهم عملکرد دیپلماسی اسلامی را در عصرهای مختلف تشکیل داده، روابط بین المللی و دیپلماسی اسلامی در روشنایی مبادی و موجهاتی که فقهای مسلمان در چوکات شریعت به استنباط و تقنین آن پرداخته‌اند، جهت توسعه و تقویت روابط با

ملت‌ها و کشورهای مختلف پرداخته است. همچنان ملاحظه می‌نماییم که دولت‌های اسلامی در مناسبت‌های خاص پیام‌ها و سفارت‌های خود را به مقصد ادای تهنیت و تعزیت به نزد دولت‌ها و زعمای کشورهای دیگر فرستاده‌اند. از جمله اهداف اساسی دیپلماسی اسلامی فرستادن سفارت‌ها و فرستادگان برای میانجی‌گری و اصلاح بوده است؛ مخصوصاً در حالاتی که اختلافات و نزاعات میان دولت‌های اسلامی و زعما و امرای مسلمانان رونما گردیده. همچنان تقویت و توسعه روابط فرهنگی و مبادله تحقیقات علمی و استفاده از تجارب معرفتی تمدن‌های دیگر میان دولت‌های اسلامی و کشورهای دیگر یکی از اهداف اساسی روابط بین‌الملل بوده و دیپلماسی اسلامی در این عرصه پیشگام بوده، کتب و اسناد فرهنگی و تاریخی تمدن‌های قدیم را ترجمه و درج کتابخانه‌ها و آرشیف‌های جهان نموده است.

در عرصه فرستادن هیأت‌ها و سفارات، ملاحظه می‌نماییم که اسلام از فجر دعوت و دولت اسلامی به این امر توجه داشته است. پیامبر گرامی پیش از هجرت به مدینه، در راستای تلاش‌ها و ابتکارات حمایت دعوت اسلامی و جستجوی پیدا کردن سرزمین مناسب برای تشکیل دولت، سفارت اسلامی را در شکل گروه‌های مهاجرین به حبشه اعزام نمود و سران قریش با فرستان سفارت مخالف با به کارگیری ابزارها و روش‌های دست‌داشته سعی نمود این مهاجرین را به مکه برگردانند، اما در نتیجه منطق بلند رئیس هیأت مهاجرین تلاش‌های سفارت قریش به ناکامی انجامید و پادشاه حبشه از تسلیم نمودن مهاجرین به قریش خودداری نمود. در این راستا پیامبر اسلام نمایندگان و هیأت‌های پی‌در پی به سرزمین یثرب فرستاد که این سعی و تلاش به موفقیت انجامید و با هجرت مسلمانان و پیامبر اسلام به سرزمین یثرب، دولت اسلامی در این سرزمین تشکیل یافت. به همین منوال فرستادگان و سفارت‌های دولت اسلامی به مناطق مختلف در داخل جزیره عرب و در خارج فرستاده شدند، وهمگام با این حرکت دعوتی، سیاسی و دیپلماتیک، طلایه‌های فتح اسلامی به صورت منظم به حرکت آمدند.

ملاحظه می‌نماییم که حالات سه‌گانه تجربه دیپلماسی اسلامی در عهد نبوی مشابَهت دارد با روش‌های نوین عرف دیپلماتیک در قوانین جدید و معاصر. به این توضیح که سفارت اسلامی به حبشه همخوانی دارد با روش‌های پناهندگی سیاسی و قضایای حقوق انسان، آزادی اندیشه و عبادت، در پهلوی ایجاد روابط با ملت‌های دیگر، نشر دعوت و سعی برای کسب هم‌پیمان سیاسی احتمالی برای آینده. چنانچه فرستادن نمایندگان و هیأت‌ها به یثرب همخوانی دارد با

دیپلماسی فرهنگی و اعلامی، گفتگوی فکری و طرح افکار و مفاهیم در میان ملت‌های دیگر که دولت‌های امروزی با ابزارها و شیوه‌های گوناگون به قصد تأثیرگذاری و دعوت ملت‌های دیگر به کار می‌برند. همچنان هیأت فرستاده شده به نجران در مرحله قوت دولت اسلامی که منتج به معاهده صلح با اهل کتاب نصارای نجران گردید همخوانی دارد با پیمان‌ها و معاهدات منعقد شده میان دولت اسلامی و دولت‌های دیگر که با تفاوت شرایط و تحولات جدید به کاربرده می‌شود. چنانچه این معاهدات تمثیل‌کننده تنوع دینی و فرهنگی بود که در سایه حاکمیت دولت اسلامی و حقوق شهروندی به حیث حقوق اساسی که منبع همه معاملات و حقوق و واجبات در چوکات دستور مدینه صورت می‌گرفت.

پیامبر اسلام پس از هجرت به مدینه منوره دولت اسلامی را تأسیس نمود و با ابتکارات عقد پیمان برادری، تکافل اجتماعی و اقتصادی، همبستگی میان مسلمانان را مستحکم ساخت. سپس معاهده مکتوب و مدون را با قبایل یهود منعقد کرد و آزادی دینی و مراسم عبادی و اقتصادی‌شان را در سایه حاکمیت دولت اسلامی و قیادت رسول خدا تضمین نموده، به حیث شهروندان مقیم در مدینه، مکلفیت دفاع از شهرشان را در حالت تجاوز خارجی در میثاق مدینه تجویز کرد. چنانچه در این دستور حقوق و مکلفیت‌ها را برای همه ساکنان مدینه بر اساس شهروندی مندرج ساخت. با ملاحظه این‌که چنین ابتکارات و ارزش‌های قانونی و حقوق و آزادی‌های شهروندی که دولت اسلامی مدون و اجرایی نمود، در آن زمان شناخته نشده بود.

در این راستا پژوهشگر به شرح و تحلیل آراء و نظریات فقهای مسلمان پیرامون دستور مدینه پرداخته که به مثابه قرار داد اجتماعی با قناعت و رضایت سایر اقشار و گروه‌های ساکن در سرزمین یثرب به صورت مسالمت‌آمیز مورد توافق قرار گرفت و به این ترتیب اولین هسته روابط قانونی میان افراد ملت در سطح داخلی و اساسات روابط خارجی دولت اسلامی گذاشته شد.

پیامبر گرامی اسلام به منظور تأمین امنیت و مصونیت جبهه داخلی به عقد معاهدات و نوشتن توافقنامه‌ها با زعمای قبایل مختلف ساکن در مناطق ماحول مدینه پرداخت و به موجب آن قبایل و نیروهای مخالف دولت اسلامی را با دولت اسلامی متحالف ساخت و یا در حالت هجوم و تجاوز قریش بر مدینه در حالت بی‌طرفی قرار داد.

سپس پیامبر اسلام در اقدام سیاسی و دیپلماسی مبتکرانه به فرستادن نامه‌ها و سفارت‌ها به زعما و پادشاهان جهان مبادرت ورزیده، از این طریق موجودیت مسلمانان و تشکیل دولت

اسلامی را به عنوان یک نیروی فکری و سیاسی اعلام نمود که با قوت و نیرومندی داخل عرصه بین‌المللی گردیده است و به این ترتیب پیامبر اسلام قواعد اساسی تمرین و عملکرد دیپلماسی را اساس گذاشت.

همچنان پیامبر اسلام قریش را به صلح حدیبیه کشاند و از طریق معاهده ده ساله این صلحنامه با قبول شرایط و حالات دشوار، مسلمانان پیروزی‌های سیاسی و دیپلماسی بزرگی را کسب کردند. این صلحنامه دیدگاه استراتژی پیامبر گرامی اسلام را به اثبات رسانید. این صلح دست‌آورد سیاسی بزرگی بود که آفاق جدیدی را برای مسلمانان باز کرد و دعوت اسلام به سرزمین‌های نزدیک و دور رسید و مردم فوج فوج به اسلام رو آوردند و این صلح راه را برای فتح مکه مساعد ساخت و حاکمیت دولت اسلامی بر جزیره عرب و ماحول آن در مدت زمانی کوتاه گسترش یافت. در عرصه خارجی پیامبر گرامی اسلام با در پیش‌گیری دیپلماسی مسالمت‌آمیز، پیام‌ها و سفارت‌های خود را به زعمای جهان فرستاد و آنان را به گفتگوی فکری و آزادی انسان‌ها فرا خواند؛ اما واکنش و جواب قدرت‌های بزرگ جهانی منفی و تلاش مذبحانه برای احتوا و براندازی دولت اسلامی بود؛ بنابراین، پیامبر صلی الله علیه وسلم به اقدامات دفاعی پیشگیرانه و نمایش قدرت باز دارنده مبادرت ورزید و با حرکت دادن غزوه‌های نظامی مؤته و تبوک نتایج ایجابی و دست‌آوردهای سیاسی را کسب نموده، با تعدادی از فرماندهان و زعمای قبایل و مملکت‌های تابع روم و فارس معاهدات صلح و تبادل منافع تجارتي عقد نموده، با این ابتکارات رابطه این قبایل و مملکت‌های تابع را با قدرت‌های روم و فارس قطع نمود و تمایل و همکاری‌شان را با دولت اسلامی جلب کرد.

سپس در سلسله این پیروزی‌ها، سال نهم هجرت مدینه منوره مرکز دولت اسلامی شاهد سرازیر شدن هیأت‌های زیاد قبایل مختلف عرب بود و به این ترتیب دعوت اسلامی در عهد نبوی به وحدت جزیره عرب زیر پرچم دولت اسلامی توفیق یافت و آثار و نشانه‌های شرک و بت پرستی در مجتمع مضمحل گردید و نظام سیاسی و دیپلماسی اسلامی بر اساس عدالت و مساوات و اخلاق در حیات پیامبر گرامی تحقق یافت.

با رحلت پیامبر اسلام، اولین خلیفه مسلمانان ابوبکر صدیق دولت اسلامی را بر منهای پیامبر رهبری کرد و در برابر توفان حرکت ارتداد و مدعیان دروغین نبوت که قریب بود دولت نو بنیاد اسلامی را فرو پاشد، با حزم و قاطعیت ایستادگی نموده، با اتخاذ سیاست استوار

پایه‌های دولت اسلامی را تثبیت کرد و همزمان طلایه‌های ارتش‌های فتح اسلامی را در استقامت‌های مختلف جهان به حرکت آورد. سپس عمر بن خطاب زمام خلافت مسلمانان را به عهده گرفت و بر روش پیامبر گرامی گام برداشت و برنامه‌های سیاسی و نظامی ابوبکر صدیق را ادامه داد؛ فتوحات اسلامی را توسعه بخشید، پایه‌های دولت را مستحکم ساخت، روابط بین الملل و روابط دیپلماتیک را از طریق فتوحات اسلامی و فرستادن هیأت‌ها و دعوتگران و عقد معاهدات در استقامت‌های مختلف با ملت‌ها و دولت‌های آن زمان توسعه بخشید، مانند معاهده تاریخی فتح بیت المقدس که خود به سرزمین شام سفر نموده، شخصا عهد نامه صلح را با اهل ایلیا در بیت المقدس منعقد کرد و به موجب آن به اهل فلسطین اعم از مسیحیان و یهودیان و سایر اقشار ساکن در سرزمین فلسطین حقوق مدنی کامل و آزادی شعائر دینی را کفالت نمود. قابل توجه است که دوران عمر بن خطاب در واقع یک تحول و جهش قوی در راستای تطور دولت اسلامی و تأسیس و توسعه مؤسسات دولت بود که با استفاده از تجارب دولت‌داری تمدن‌های روم و فارس در دولت اسلامی رونما گردید.

دولت اسلامی در عهد دو خلیفه راشد (عثمان بن عفان و علی بن ابوطالب) دچار تحولات سیاسی منفی شد که سرانجام به پراکندگی سیاسی و کشمکش‌های خونین و فروپاشی خلافت راشد گردید. با آنهم دوران هر دو خلیفه راشدین عثمان و علی رضی الله عنهما ادامه همان روش فکری و سیاسی بود که پیامبر اسلام اساس گذاشت و ابوبکر و عمر رضی الله عنهما بر آن حرکت نمودند.

با ظهور عصر اموی تحول و دگرگونی اساسی در نظام سیاسی اسلام به وجود آمد. اخذ بیعت با زور، میراثی شدن ولیعهدی، داخل ساختن اعراف و رسوم بیزانس در تشریفات دولتی ترویج یافت. در عین حال دوران اموی؛ آغاز از معاویه بن ابوسفیان مؤسس دولت اموی که با هوشیاری و تجربه سیاسی معروف بود، شاهد ابتکارات سیاسی و دیپلماتیک بود. خلفای اموی به تحرکات و فعالیت‌های گسترده سیاسی و دیپلماتیک مبادرت ورزیدند؛ طور مثال خلیفه عبدالملک بن مروان سفیر خود شرحبیل شعبی تابعی جلیل و عالم و فقیه بزرگ را به دربار امپراتور روم فرستاد. اجراآت عملی و گفتگوهای فکری و آزمایشی میان خلیفه و شعبی برای گزینش وی به این ماموریت انجام شد. همچنان گفتگوی فکری جالب میان امپراتور روم و سفیر خلیفه صورت گرفت، شبیه آنچه وزارت‌های خارجه و کمیته‌های متخصص در عصر

حاضر در گزینش سفرا و فرستادگان سیاسی انجام می‌دهند. همچنان عصر اموی شاهد معاهدات و توافقنامه‌های صلح بود که برخی خلفای اموی با کشورهای دیگر منعقد ساختند. در این راستا دیپلماسی صلح‌آمیز خلیفه عمر بن عبدالعزیز قابل ذکر است که نامه‌های فکری و دعوتی به امپراتور چین و دیگر زمامداران فرستاد و آنان را به گفتگوی فکری و ایجاد روابط فرهنگی فرا خواند و آموزه‌های اسلام را برایشان تشریح نموده با ارائه حجت و برهان آنان را به قبول اسلام دعوت نمود.

سپس عصر عباسی با طبیعت فارسی در نظام حکومت داری و تمایلات خلفا به اهل فارس زمام دولت اسلامی را به دست گرفت. نظر به این که اهل خراسان در پیروزی خلافت عباسی نقش اساسی داشتند، مردان فارس و خراسان به مناصب عالی دولتی رسیدند. دولت عباسی به گسترش جغرافیایی و همچنان به توسعه و اعتلای روابط بین الملل و تشریفات دیپلماتیک تمایز یافت. در عهد مهدی و هارون الرشید رقعہ جغرافیایی دولت به حد اعلای خود رسید؛ چنانچه روابط سیاسی و بین المللی دولت، خصوصاً با بیزانس و فرنگ به قوت ترقی نمود. روابط دیپلماتیک و ارسال سفارت‌ها و تبادل هدایا میان هارون الرشید و شارلمان امپراتور روم غربی زبازد آن زمان بود. این امر قدرت‌های رقیب را وادار ساخت تا بر اساس منافع مشترک روابط سیاسی و دیپلماتیک میان دولت‌های روم شرقی در بیزانس و دولت اسلامی اموی در اندلس، در جانب دیگر میان خلافت عباسی در بغداد و شارلمان امپراتور روم غربی در لا شاپل تقویت یافت. این تکتلات در واقع نوعی توازن جهانی را بر اساس منافع و روابط مشترک شکل داده بود. با این حال، محافل و جشنواره‌هایی که برای استقبال سفرای اجانب در دربار خلفا صورت می‌گرفت به حد بالایی از مظاهر شکوه تشریفات و نمایش قدرت، تقدیم هدایا و جوایز به سفرا و فرستادگان وارد شده به پایتخت‌های اسلامی برخوردار بود. نویسندگان عرب و برخی نویسندگان غربی در وصف محافل پذیرایی سفرا و فرستادگان در پایتخت‌های اسلامی چون دمشق و بغداد و قرطبه به طور مبالغه‌آمیز نوشته اند که ترقی دولت اسلامی و رغبت خلفا را در نمایش قدرت و عظمت برای سفرای دولت‌های خارجی بازگو می‌نماید.

در باب تمثیل دیپلماسی و مبادله هیأت‌های دیپلماتیک میان دولت‌ها، فقه سیاسی اسلام به شرح و تفصیل پرداخته، مبدأ تمثیل دیپلماسی و مشروعیت تبادل سیاسی و دیپلماسی مؤقت و دایمی با کشورهای غیر اسلامی را به غرض ابلاغ پیام‌ها و تبادل منافع مشترک تجویز نمود.

همچنان دولت اسلامی در مورد چگونگی گزینش سفرا و فرستادگان توجه خاص نموده و بر لزوم داشتن صفات ویژه و کفایت و شکیبایی، تحمل و برد باری، شجاعت و آگاهی همه‌جانبه با فنون فرهنگی و معرفتی و داشتن موهبت‌های بلاغت و لباقت سفیر و فرستاده دیپلماتیک تأکید ورزیده است. چنانچه دیپلماسی اسلامی به متصف بودن سفیر و فرستاده با مکارم اخلاقی و اجتناب از صفات و عادات ناپسند که سبب انحطاط منزلت و جایگاه انسان می‌گردد توصیه نموده است. برعلاوه، علما و فقهای مسلمان به سلامت فرستاده دیپلماتیک از عیوب خلقتی تأکید نموده، بر ضرورت گزینش اشخاص دارای شکل و صورت متناسب و زیبا، به تأسی از سنت پیامبر گرامی اسلام توصیه نموده‌اند؛ طوری که پیامبر اسلام سفرای خود را از بهترین صحابه کرام از لحاظ صورت و سیرت و سلامت جسمی انتخاب می‌نمود. خلفای راشدین و خلفای بعد از ایشان نیز بر همین منهای تأسی داشتند که تاریخ نام‌ها و چهره‌های درخشانی از سفرای مسلمان را ثبت نموده که از میان علما، ادبا، شعرا و دولت مردان انتخاب می‌شدند و میراث درخشان سیاسی و دیپلماسی، اسناد و مؤلفات و مخطوطات و تجارب با ارزشی را به کتابخانه اسلامی و نسل‌های بعدی به میراث گذاشته‌اند.

از جمله وظایف و مسؤولیت‌هایی که سفرا و فرستادگان دولت‌های اسلامی انجام می‌دادند: دعوت به اسلام است، که این امر ویژه دیپلماسی اسلامی نبوده، بلکه همه ادیان و تمدن‌ها و دولت‌ها در گذشته و عصر حاضر به این امر توجه نموده و برای نشر و گسترش افکار و ایدئولوژی خود از طریق چینل‌های دیپلماتیک می‌پردازند. همچنان وظیفه مراقبت و پیگیری رویدادهای سیاسی نظامی، اجتماعی فرهنگی در دیپلماسی قرن‌های گذشته نقش اساسی داشته و در عصر حاضر نیز این مسأله از وظایف مهم هیأت‌های دیپلماتیک و فرستادگان سیاسی محسوب می‌گردد. چنانچه مذاکرات و انجام گفتگوها در عرصه‌های مختلف از وظایف مهم نمایندگان دیپلماتیک و هیأت‌های سیاسی نزد دولت‌های دیگر می‌باشد که دیپلماسی اسلامی این وظیفه را در عصرهای پیشین انجام می‌داد. همچنان حمایت و دفاع از حقوق و منافع شهروندان دولت از وظایف اساسی فرستادگان و هیأت‌های دیپلماتیک بوده که دیپلماسی اسلامی به آن توجه خاص داشته و دارد. فراهم‌سازی شرایط صلح و عقد معاهدات و توافقنامه‌های ختم جنگ و حل منازعات میان گروه‌ها و قدرت‌های متخاصم یکی دیگر از وظایف فرستادگان و هیأت‌های دیپلماتیک می‌باشد که دیپلماسی اسلامی در این باب نقش مهم و اساسی ایفا نموده

است. برگزاری پیمان‌ها و ایتلاف‌ها در راستای تحقق منافع مشترک از وظایف اساسی هیأت‌های دیپلماتیک به شمار می‌رود که دیپلماسی اسلامی این وظیفه را در گذشته به خوبی تجربه نموده است. این وظایف و غیر آن، مخصوصاً در عرصه‌های تجارت و فرهنگ و اقتصاد در همه عصرها از وظایف اساسی دیپلماسی بوده و در عصر جهانی شدن امروزی نظر به گسترش سازمان‌های مالی و فرهنگی و برنامه‌های بازسازی در بخش‌های مختلف آن از وظایف و مسؤولیت‌های مهم فرستادگان و هیأت‌های دیپلماتیک به حساب می‌آید.

شریعت اسلامی به مسأله امنیت و مصونیت فرستاده و نماینده دیپلماتیک توجه خاص نموده، حریت و آزادی کامل به وی داده است، تا پیام خود را برساند و با امنیت و مصونیت به کشور و دیار خود برگردد. شریعت اسلامی در مورد مصونیت‌های شخصی، مالی و اداری برای فرستاده دیپلماتیک، تأمین امنیت هیأت دیپلماتیک و مقرر آن، به منظور فراهم‌آوری اجرای وظایف و مسؤولیت‌های محوله، با قوانین بین‌المللی توافق دارد. اما در مورد مصونیت قضایی، فقه اسلامی با قانون بین‌الدول و توافقنامه دیپلماتیک وین سال ۱۹۶۱م که برای فرستاده دیپلماتیک در برابر دستگاه قضایی محلی مصونیت داده، اختلاف نظر دارد. به این شرح که فقه اسلامی فرستاده دیپلماتیک را شخص مستأمن یا امان داده شده و تابع قانون در دولت اسلامی می‌پندارد و تطبیق قانون را در میان افراد ساکن در حاکمیت دولت قابل تجزیه نمی‌داند. از نظر فقه اسلامی فرستاده دیپلماتیک سزاوار آن است تا نسبت به دیگران در رعایت قوانین و مقررات محلی در کشور محل کارش پیشگام و ملتزم‌تر باشد؛ چنانچه قانون بین‌الملل نیز به همین امر تأکید می‌ورزد. در غیر آن فرستاده دیپلماتیک خویشتن را در معرض پرسش و اخراج تحت بند «شخص غیر مرغوب» قرار خواهد داد. افزون بر این؛ پیشوایان فقه اسلام میان جرایم تفاوت قایل گردیده‌اند و فرستاده دیپلماتیک را در جرایم متعلق به «حق العبد» مصونیت نمی‌دهند. اما در جرایم متعلق به «حق الله»، صلاحیت تحدید مجازات مناسب را از باب «تعزیر» و عمل به اصل تفاوت میان جرایم، به حاکم و قاضی مسلمانان می‌دهند، چنانچه گروهی از علمای متأخرین به این امر نظر داده‌اند.

می‌توان گفت احکام قانون بین‌الملل در مورد ضرورت التزام فرستاده دیپلماتیک به قوانین و مقررات و رسوم مروج در کشور محل کار، با احکام شریعت اسلامی توافق دارد؛ تا فرستاده دیپلماتیک خود را در معرض محاسبه و اخراج جبری قرار ندهد و سبب بی‌اعتباری و زیان

کشور و ملت خود نشود؛ زیرا هر دولت صاحب حاکمیت، دوست دارد قوانین و مقرراتش توسط ساکنان سرزمینش با جدیت احترام گردد. چنانچه کنوانسیون‌ها و توافقنامه‌های وین ۱۹۶۱م به کشورها حق قبول یا رد سفیر و رئیس هیأت دیپلماتیک در هنگام پیشنهاد وی از جانب دولت فرستنده را داده است. به همین منظور است که دولت پذیرنده زندگی نامه سفیر پیشنهادی را طلب می‌کند تا آن را مورد مطالعه قرار داده، دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های شخصی را که قرار است به صفت فرستاده دیپلماتیک وارد کشور پذیرنده شود، تحلیل و ارزیابی نماید. این خود دلیل آن است که فرستاده دیپلماتیک آزادی مطلق ندارد تا هرچه خواسته باشد انجام دهد؛ بلکه بر وی لازم است قوانین نافذ در کشور محل کار را با جدیت رعایت نماید و به رسوم و اعراف مردم آن کشور احترام بگذارد. در این باب کافی است نظر سفیر «نیکلسون» را که از نویسنده فرانسوی «فرانسوا دی کالییه» صاحب کتاب «روش‌های مذاکرات با پادشاهان»، چاپ سال ۱۷۱۶م، یکی از بهترین رهنماها برای هنر دیپلماسی را در اینجان نقل کنیم: «بر فرستاده دیپلماتیک است تا اوامر پادشاه و یا وزیر خود را تنفیذ کند». اما وی از این قاعده یک امر بسیار مهم را استثنا نموده می‌گوید: «سفیر حق دارد با اوامر پادشاه و یا وزیر خود مخالفت ورزد؛ زمانی که آن اوامر در مغایرت با شریعت الهی یا در مخالفت با عدالت باشد».